



بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ  
 وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ  
 وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَنَ اللَّهُ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٩١﴾  
 عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَّى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُلْ رَبِّ أَمَّا  
 تُرِيئِي مَا يُوْعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ  
 ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُزِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ ﴿٩٥﴾ ادْفَعْ بِالَّتِي  
 هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُلْ رَبِّ  
 أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ  
 يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ  
 ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ  
 هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾ فَإِذَا  
 نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ  
 ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ  
 خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ  
 خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلَفَحُوا وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾

أَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا  
 غَلَبَت عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا  
 فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ  
 إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا  
 فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ  
 سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾  
 إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿١١١﴾ قُلْ كَمْ  
 لَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدُ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا لَيْتَنَّا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ  
 يَوْمٍ فَسَأَلَ الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾ قُلْ إِنْ لَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَا كُنْتُمْ  
 تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا  
 لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَلَّىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ  
 الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ  
 لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ  
 ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

## منزلگاه بعد

زمانی که مجاهدی در راه خدا به شهادت می‌رسد یا مادری پس از تربیت فرزندان شایسته، چشم از دنیا فرو می‌بندد یا پدری پس از سال‌ها تلاش و کوشش در بستر بیماری جان می‌سپرد و به طور کلی وقتی انسان‌ها می‌میرند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟ آیا ارتباطشان کاملاً با دنیا قطع می‌شود؟ آیا به صورت مستقیم وارد جهان آخرت می‌شوند؟ یا آنکه مرحله‌ای دیگر را پیش رو خواهند داشت؟ اگر چنین است، آن مرحله چه نام دارد؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چه رابطه‌ای میان دنیا و آن مرحله وجود دارد؟



## عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته است و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می‌شوند و تا قیامت در آنجا می‌مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت‌های آن برخوردار و اگر بدکار و شقی باشند، از رنج‌ها و دردهای آن متألم می‌گردند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ	آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد
قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ	می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا	باشد که عمل صالح انجام دهم؛
فِيمَا تَرَكْتُ	آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا	هرگز! این سخنی است که او می‌گوید
وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ	و پیش‌روی آنها برزخ و فاصله‌ای است
إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ	تا روزی که برانگیخته می‌شوند.

مؤمنون، ۹۹ و ۱۰۰

عالم برزخ دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود؛ اما فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح است، «توفی» می‌کنند؛<sup>۱</sup> یعنی آن را به‌طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. بنابراین، اگرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد؛ اما روح همچنان به فعالیتش ادامه می‌دهد.
- ۲- در عالم برزخ، انسان با فرشتگان گفت‌وگو می‌کند و پاسخشان را می‌شنود.<sup>۲</sup> همچنین اموری را درک و مشاهده می‌کند که درک آنها در دنیا ممکن نبود؛ به‌طور مثال، اعمالی را که در دنیا انجام داده است، مشاهده می‌کند.
- ۳- ارتباط انسان در عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ نیز همچنان برقرار است؛ بدین معنا که پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی‌شود و پیوسته بر آن افزوده می‌گردد.

۱- سورة نساء، ۹۷

۲- سورة نحل، ۳۲

## يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ

در آن روز به انسان خبر داده می‌شود  
به آنچه پیش [از مرگ] فرستاده و آنچه پس [از  
مرگ] فرستاده است.

### قیامت، ۱۳

همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید، آثار و نتایج برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پروندهٔ این اعمال بسته می‌شود (آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما بسیاری از اعمال آثارشان حتی بعد از حیات ما نیز باقی می‌ماند (آثار ما تأخر)؛ یعنی حتی با مرگ انسان نیز پرونده آن عمل هم چنان گشوده است. به عنوان مثال اگر کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه‌ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموزش دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران خوانده می‌شود و آموزش‌های وی به دیگران منتقل می‌شود یا از آن استفاده می‌شود، در پرونده عمل او پاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند، گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم غلط و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می‌گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در فرد یا جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روز به روز بر عذاب وی افزوده می‌شود.

مدرسای غلط، تولید و نشر مطالب نامناسب و غیر اخلاقی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه‌هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پروندهٔ گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهندهٔ آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند، در وضعیت آنان در عالم برزخ مؤثر است؛ اعمالی مانند طلب مغفرت، دعای خیر و انفاق برای آنان.



### \* فعالیت کلاسی \*

نمونه‌هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند و بعد از مرگ انسان ادامه می‌یابند.

## دومینویی به امتداد جهان آخرت

آیا تاکنون به سرگرمی دومینو دقت کرده‌اید؟

هزاران قطعه، در برنامه‌ای از قبل تنظیم شده، انرژی خود را به قطعات دیگر منتقل می‌کنند و در چند ثانیه پدیده‌ای جذاب، و لذت‌بخش به وجود می‌آورند. اما برخی دومینوها از قطعات و اجسام مادی و در فضای مادی، شکل نمی‌گیرند و قطعه‌هایشان محدود به هزاران و صدها هزار نمی‌شود. این دومینوها زمانی بیش از ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و حتی سال‌ها برای کامل شدنشان طی می‌کنند و حتی ممکن است به آن سوی حیات انسان کشیده شوند و مهم‌تر از همه اینکه سرگرمی نیستند! چون هم ممکن است به فاجعه‌ای هولناک تبدیل شوند و هم ممکن است آینده‌ای درخشان را در پی داشته باشند!

جالب است که تک‌تک من و شما در این دومینو، شرکت داریم.

دومینویی که آن را «forward» یا «copy and paste» می‌نامند و با «send» نقش ما در آن پایان می‌یابد.

هر چند نقش پایان می‌یابد؛ اما آثارش آغاز می‌شود؛ آثاری که برای همیشه پایدار است؛ حتی برای پس از ما.

## برزخ در کلام پیشوایان

برای آشنایی بیشتر با برزخ و احوال برزخیان، از سخنان پیشوایان دین بهره می‌بریم:

۱- در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن کشتگان را این گونه خطاب قرار داد: «آنچه پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟»

اصحاب گفتند: «ای رسول خدا، چگونه با آنان سخن می‌گویی؛ در حالی که مرده‌اند؟» فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنوا ترند، و فقط نمی‌توانند پاسخ دهند»<sup>۱</sup>.

۲- حضرت علی علیه السلام در راه بازگشت از جنگ صفین به قبرستانی رسیدند. در این هنگام رو به قبرها کردند و فرمودند: «... ای آرمیدگان در خاک، ای اهل غربت و تنهایی، ای فرورفتگان در

۱- المحجة البيضاء، فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۶

وحشت، شما در رفتن بر ما پشی گرفتید و ما از بی شما می‌آییم و به شما ملحق می‌شویم؛ اما خانه‌هایی که از خود به جا گذاشتید، پس از شما در آن مسکن گزیدند؛ همسرانتان ازدواج کردند و اموالتان میان وارثان تقسیم شد. اینها خبرهایی بود که ما داشتیم، شما چه خبری برای ما دارید؟» سپس آن حضرت به یاران خود نگاه کردند و فرمودند: «اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد، خبر می‌دادند و می‌گفتند: یقیناً بهترین توشه برای ابدیت تقواست»<sup>۱</sup>.

۳- شخصی از امام کاظم علیه السلام درباره وضع مؤمنان پس از مرگ پرسید: «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟»

فرمود: آری.

پرسید: چقدر؟

فرمود: «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه»<sup>۲</sup>.

۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مرده‌ای را در قبر می‌گذارند، شخصی بر او ظاهر می‌شود و به او می‌گوید: ما (در دنیا) سه چیز بودیم: رزق تو که با پایان یافتن مهلت زندگی‌ات در دنیا قطع شد [و اینک همراه تو نیست]، خانواده‌ات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم و با تو می‌مانم. آگاه باش که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی‌ارزش‌تر و سبک‌تر بودم»<sup>۳</sup>.

## پیام احادیث

با تفکر در گفته‌های معصومین علیهم السلام به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- دوره برزخ دوره بی خبری است یا دوره هوشیاری و آگاهی؟ از کدام حدیث برای جواب خود استفاده می‌کنید؟

پاسخ: .....

.....

۲- چه چیزی است که از دنیا با انسان به برزخ می‌رود و از او جدا نمی‌گردد؟

پاسخ: .....

۱- نهج البلاغه، ترجمه علامه جعفری، حکمت ۱۳۰

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۲۳۱

۳- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۴۰

## منظور از فشار قبر و عذاب‌های داخل قبر چیست؟ آیا منظور تنگ شدن قبر خاکی و عذاب جسم بی‌جان انسان است؟

در روایات هر جا که سخن از عذاب قبر به میان آمده است، منظور قبرهای دنیوی نیست؛ بلکه در این روایات قبر کنایه از عالم برزخ است و فشار قبر فشاری است که به روح انسان، به علت قطع تعلق از دنیا و ورود به عالم برزخ وارد می‌شود. توضیح اینکه، با مرگ انسان و جدا شدن روح از بدن، انسان به عالم برزخ وارد می‌شود؛ عالمی که دارای ویژگی‌ها و معیارهای دنیا نیست و از این رو انسان با محیطی ناشناخته و متفاوت با دنیا مواجه می‌شود. انسان‌هایی که در زندگی دنیوی موفق به ترک تعلق به دنیا نشده‌اند و اسیر دنیا و تعلقات آن بوده‌اند و انس با دنیا و دلبستگی شدید به آن هنوز در قلب و روح آنها وجود دارد، با ورود به این دنیای جدید و از دست دادن دلبستگی‌های دنیوی، دچار ترس و وحشت می‌شوند و همچنین به دلیل گناهایی که انجام داده‌اند، در عذاب و فشار روحی قرار می‌گیرند. هرچه انس و تعلق انسان به دنیا بیشتر باشد، این فشارها و وحشت‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه تعلق کمتر باشد، این ترس و فشار کمتر می‌شود.

پس این عذاب و فشار قبر به معنای تنگ شدن قبر خاکی نیست؛ بلکه منظور در فشار و عذاب بودن روح انسان است.

## اندیشه و تحقیق

- ۱- منظور از کلمه «تَوَفَى» در قرآن کریم، چیست و برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است؟
- ۲- دو مورد از ویژگی‌های عالم برزخ را بیان کنید.

## پیشنهاد

در شهر شما انسان‌های نیکوکاری بوده‌اند که آثار خیری از خود به یادگار گذاشته‌اند که نتیجه آنها همچنان در پرونده اعمال‌شان ثبت می‌شود. درباره آنها تحقیق کنید و کارهای خیر آنها را گزارش نمایید.







۹۶

## سُورَةُ الْوَاقِعَةِ

آيَاتُهَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝۱ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ۝۲ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۝  
 إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ۝۴ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ۝۵  
 فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ۝۶ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۝۷ فَاصْحَبْ  
 الْمَيْمَنَةَ مَا أَصْحَبُ الْمَيْمَنَةَ ۝۸ وَأَصْحَبُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَبُ  
 الْمَشْأَمَةِ ۝۹ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۝۱۰ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۝۱۱  
 فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝۱۲ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۝۱۳ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ  
 ۝۱۴ عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۝۱۵ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ۝۱۶  
 يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۝۱۷ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ  
 ۝۱۸ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفَوْنَ ۝۱۹ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ  
 ۝۲۰ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝۲۱ وَحَوْرُ عَيْنٍ ۝۲۲ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ  
 الْمَكْنُونِ ۝۲۳ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۲۴ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا  
 وَلَا تَأْثِيمًا ۝۲۵ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ۝۲۶ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ  
 الْيَمِينِ ۝۲۷ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ۝۲۸ وَطَلْحٍ مَنضُودٍ ۝۲۹ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ

٣٠ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ۝ ٣١ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ۝ ٣٢ لَا مَقْطُوعَةٍ  
 وَلَا مَمْنُوعَةٍ ۝ ٣٣ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ۝ ٣٤ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ۝ ٣٥  
 فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ۝ ٣٦ عُرُبًا أَتْرَابًا ۝ ٣٧ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝ ٣٨  
 ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۝ ٣٩ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۝ ٤٠ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ  
 مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝ ٤١ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ۝ ٤٢ وَظِلٍّ مِنْ يَحُمُومٍ  
 ۝ ٤٣ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۝ ٤٤ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ۝ ٤٥ وَكَانُوا  
 يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ۝ ٤٦ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا  
 تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝ ٤٧ أَوَءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۝ ٤٨ قُلْ إِنَّ  
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ۝ ٤٩ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝ ٥٠  
 ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ ۝ ٥١ لَا كِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ  
 زَقُّومٍ ۝ ٥٢ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝ ٥٣ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ  
 ۝ ٥٤ فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ۝ ٥٥ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۝ ٥٦ نَحْنُ  
 خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ۝ ٥٧ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ۝ ٥٨ ءَأَنْتُمْ  
 تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۝ ٥٩ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ  
 وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ ٦٠

## واقعۀ بزرگ

هر کس مشغول کاری و سرگرم به چیزی؛  
کودکان آرمیده در آغوش مادران، مادران در اندیشهٔ آرزوهای مادرانهٔ خویش، و پدران در پی  
کسب و کار و...  
همه در تکاپو؛ کشاورز به امید محصول تازه، تاجر به امید سود بیشتر، دانشمند در پی کشفی  
جدید و...

همه در حال و هوای خویش اند؛ کودک، جوان، پیر؛ که ناگهان اتفاق می افتد؛  
آنچه وعده اش داده شده بود،  
آنچه وقوعش حتمی و زماش نامعلوم بود و ما آن را دور می پنداشتیم.  
قیامت اتفاق می افتد تا آغازی باشد بر حیات ابدی انسان.  
روزی که هر مادر شیردهی، طفل شیرخوار خود را فراموش می کند. مردم از هیبت آن روز  
همچون افراد مست به نظر می رسند؛ درحالی که مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است.<sup>۱</sup>  
اما این واقعه با چه حوادثی همراه است؟ چه مراحل دارد؟

۱- سورة حج، ۱ و ۲



پایان این جهان با برپایی قیامت همراه است. این رخداد بزرگ که در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می‌گیرد که در هر مرحله وقایع خاصی رخ می‌دهد.

## الف) مرحله اول قیامت

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

- ۱- شنیده شدن صدایی مهیب: صدایی مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد<sup>۱</sup>. و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند.
- ۲- مرگ اهل آسمان‌ها و زمین: همه اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند<sup>۲</sup> و بساط حیات انسان و دیگر موجودات برچیده می‌شود.
- ۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها: تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌پیچد و بی نور و تاریک می‌شود<sup>۳</sup>. آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک باره تیره می‌شوند<sup>۴</sup>، زمین به شدت به لرزه در می‌آید<sup>۵</sup> و خرد می‌شود<sup>۶</sup>، کوه‌ها در هم کوبیده شده<sup>۷</sup> و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند<sup>۸</sup>. دریاها با آن همه وسعت و عظمت به هم متصل می‌شوند<sup>۹</sup> و از درون آنها آتش زبانه می‌کشد<sup>۱۰</sup>. این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند<sup>۱۱</sup>.

## ب) مرحله دوم قیامت

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا انسان‌ها آماده دریافت پاداش و کیفر شوند.

- ۱- زنده شدن همه انسان‌ها: بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود<sup>۱۲</sup>. با این صدا، همه مردگان دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر

۱- سورة زمر، ۶۸

۲- بنابر روایات، پیامبران الهی و امامان بزرگوار از این قضیه استثنا شده‌اند. (انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبائی، ص ۹۳)

۳- سورة تکویر، ۱

۴- سورة تکویر، ۲

۵- سورة واقعه، ۴

۶- سورة فجر، ۲۱

۷- سورة حاقه، ۱۴

۸- سورة واقعه، ۵ و ۶

۹- سورة انفطار، ۳

۱۰- سورة تکویر، ۶

۱۱- سورة ابراهیم، ۴۸

۱۲- سورة زمر، ۶۸

می‌گردند. در این هنگام انسان‌های گناهکار به دنبال راه فراری می‌گردند؛ دل‌های آنان سخت هراسان و چشم‌هایشان از ترس به زیر افکنده است.<sup>۱</sup>

**۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم:** در آن روز با تابیدن نور حقیقت از جانب خداوند پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود<sup>۲</sup> و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیت انسان‌ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، آشکار می‌شود.

**۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی:** با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می‌شود و اگر عملی حتی به اندازه ذره‌ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد<sup>۳</sup>. اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛ از این رو هرچه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش افزون‌تری خواهد داشت.

**۴- حضور شاهدان و گواهان:** براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان‌ها در پیشگاه خداوند شهادت می‌دهند. برخی از این شاهدان عبارت‌اند از:

*الف) پیامبران و امامان:* ایشان همان‌گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند، در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل الهی‌اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر خطایی مصون و محفوظ‌اند، بهترین گواهان قیامت‌اند. رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امت‌هاست.<sup>۴</sup>

*ب) فرشتگان الهی:* فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آنها بوده‌اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند.

بی‌گمان برای شما نگهبانانی هستند،

نویسندگان گرانقدر،

می‌دانند آنچه را که انجام می‌دهید.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ

كِرَامًا كَاتِبِينَ

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

انفطار، ۱۰-۱۲

۱- سورة نازعات، ۸ و ۹

۲- سورة زمر، ۶۸

۳- سورة انبياء، ۴۷

۴- سورة نساء، ۴۱

ج) *اعضای بدن انسان* : برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می کنند و علیه صاحب خود شهادت می دهند<sup>۱</sup>. بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی سرزنش آمیز می گویند که چرا علیه ما شهادت می دهید؟

آنها به پوست خود می گویند :

چرا بر ضد ما شهادت دادید؟

گویند : ما را خدایی به سخن آورد

که هر چیزی را به سخن آورد.

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ

لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا

قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ

الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ

#### فصلت، ۲۱

۵- **دادن نامه اعمال** : نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه عمل بدکاران را به دست چپ آنها می دهند<sup>۲</sup>. نامه عمل انسان با نامه های ثبت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه های این دنیا، صرفاً گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده است؛ اما نامه عمل انسان به گونه ای است که خود عمل و حقیقت آن را دربردارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می شوند و انسان عین اعمال خود را می بیند. کارهای خوب با صورت های بسیار زیبا و لذت بخش تجسم می یابند و کارهای بد با صورت های بسیار زشت و وحشتناک و آزاردهنده، مجسم می شوند.

#### پناه من باش

حضرت علی علیه السلام در مناجات خود در مسجد کوفه این گونه با خدا درباره روز قیامت سخن می گوید :

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الْاِمَانَ یَوْمَ لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُوْنَ اِلَّا مَنْ اَتٰی اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ  
خدا یا پناه من باش در روزی که نه مال به درد انسان می خورد نه فرزند و تنها آوردن قلبی پاک

۱- سوره یس، ۶۵

۲- سوره حاقه، ۲۶-۱۹

به نزد خداست که انسان را فایده می‌بخشد.

وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

خدایا پناه من باش روزی که گناهکار دست حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه می‌شدم.

... وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبِهِ وَبَنِيهِ

خدایا پناهم باش در روزی که انسان حتی از برادر، پدر، دوست و فرزند خود فرار می‌کند.

... وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَوْدُ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِيذٍ بِبَنِيهِ وَ

صَاحِبَتِيهِ وَ أَخِيهِ وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

خدایا به من پناه ده در روزی که انسان‌های گناهکار حاضرند فرزند، دوست، برادر و خویشان بلکه تمام مردم زمین به جای آنها عذاب شوند تا خود نجات یابند.

وقتی خداوند شاهد اعمال انسان است، دیگر چه نیازی به حضور شاهدان دیگر دارد؟

درست است که خداوند برای حسابرسی به اعمال انسان نیاز به هیچ شاهی ندارد؛ اما باز هم به دلیل لطف و عنایتی که به بندگانش دارد، شاهدانی را بر اعمال انسان می‌گمارد تا شاید انسان با توجه به این مسئله که تک تک اعمالش زیر نظر ناظران و گواهان بسیار است، از ارتکاب گناه خودداری کند، زیرا این خصلت انسان است که هر چه حضور ناظران و شاهدان را بیشتر احساس کند، در رفتار خود دقت بیشتری می‌کند. حال اگر انسان بداند که هر عملی که انجام می‌دهد، علاوه بر آنکه خدا شاهد اوست، پیامبر، امامان، ملائک و ... نیز ناظر بر اعمال اویند، انگیزه پرهیز از گناه در دلش قوی‌تر می‌شود و این موضوع وی را به حفظ هرچه بیشتر حریم و حدود الهی وای می‌دارد.

خود را تا چه اندازه برای قیامت آماده کرده‌ایم؟ کارهای خود را محاسبه و ارزیابی کنیم؛ اگر موفقیم، شکرگزار خداوند باشیم و بدون آنکه مغرور شویم، بر تلاش خود بیفزاییم و اگر کمتر احساس موفقیت می‌کنیم، تصمیم بگیریم گذشته را جبران کنیم و برای موفقیت از خداوند کمک بخواهیم.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- اعمال ما چه شاهدان دیگری در قیامت، دارد؟
- ۲- برخی از وقایعی که در مرحله دوم قیامت رخ می‌دهد، بیان کنید.







أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ  
 تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ  
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَٰءِيْتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا  
 وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ  
 تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي  
 جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا  
 بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السَّوْءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ  
 خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ  
 السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيٰتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ  
 هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ أَغْفِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا  
 الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ  
 لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِينَ ﴿٦٥﴾  
 بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ  
 قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ  
 مَطْوِيَّاتٌ بِّيَمِينِهِ ۖ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي  
الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيْهِ اُخْرٰى فَاِذَا هُمْ قِيَامٌ  
يَنْظُرُوْنَ ﴿١٨﴾ وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتٰبُ  
وَجِئَءَ بِالتَّبِیِّیْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ  
لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿١٩﴾ وَوُفِّتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ اَعْلَمُ  
بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٢٠﴾ وَسِيقَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا اِلٰی جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتّٰی  
اِذَا جَآءُوْهَا فَتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا اَلَمْ يَاۤتِكُمْ  
رُسُلٌ مِّنْكُمْ یَتْلُوْنَ عَلَیْكُمْ اٰیٰتِ رَبِّكُمْ وَیُنذِرُوْنَكُمْ لِقَآءِ  
یَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوْا بَلٰی وَلٰكِنْ حَقَّتْ کَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلٰی  
الْكَافِرِیْنَ ﴿٢١﴾ قِیْلَ ادْخُلُوْا اَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا  
فَبِئْسَ مَثْوٰی الْمُتَكَبِّرِیْنَ ﴿٢٢﴾ وَسِيقَ الَّذِیْنَ اٰتَقَوْا رَبَّهُمْ  
اِلٰی الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتّٰی اِذَا جَآءُوْهَا وَفُتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَقَالَ  
لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلٰمٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خٰلِدِیْنَ ﴿٢٣﴾  
وَقَالُوْا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَآوَرَّنَا الْاَرْضَ  
نَتَّبَوُّا مِنْ الْجَنَّةِ حِیْثُ نَشَآءُ فَنِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِیْنَ ﴿٢٤﴾

## فرجام کار

در درس گذشته خواندیم که هنگام وقوع قیامت، چه حوادثی اتفاق می افتد و دادگاه عدل الهی، چگونه تشکیل می شود.

در این درس می خواهیم با بهره مندی از قرآن کریم و سخنان معصومان، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم :

۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت، چگونه است؟

۲- چه رابطه ای میان اعمال ما و نوع پاداش و جزای آخرت، وجود دارد؟



## ۱- جایگاه نیکوکاران

اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کند؛ بهشت آمادهٔ استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سر رسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.<sup>۱</sup> یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است.<sup>۲</sup> از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند<sup>۳</sup> و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید.<sup>۴</sup> رستگاران می‌گویند خدای را سپاس که به وعدهٔ خود وفا و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد.<sup>۵</sup> هریک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هرچه دل‌هایشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.<sup>۶</sup> خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است.<sup>۷</sup> علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.<sup>۸</sup> بهشتیان با خدا هم‌صحبت‌اند و به جملهٔ «خدایا! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند.<sup>۹</sup> بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است.<sup>۱۰</sup> هیچ نقصانی، اندوهی، غصه‌ای، خوف و ترسی، عجزی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی و ملامت نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه تازه و شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگويان، شهیدان و نیکوکاران‌اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند.<sup>۱۱</sup>

۱- کنز العمال، به نقل از امام باقر (ع)، ج ۱۴، ص ۴۵۱

۲- خصال، شیخ صدوق، باب هشتاد، ص ۴۰۷

۳- سورة رعد، ۲۳

۴- سورة زمر، ۷۳

۵- سورة زمر، ۷۴

۶- سورة زخرف، ۷۱

۷- سورة فاطر، ۳۴ و ۳۵

۸- سورة توبه، ۷۲

۹- سورة یونس، ۱۰

۱۰- سورة انعام، ۱۲۷

۱۱- سورة نساء، ۶۹

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.<sup>۱</sup>

### جایی که در آن ملال و دلزدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی پیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دلزدگی بهشتیان نخواهد شد؟ منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند این است که اولاً دامنه لذات مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت طلب و بلند پرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی یکنواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان‌ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است. ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین رو هیچ هدف یا لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد. از این رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و قرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ یک نمی‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. در بهشت اما، انسان خواسته حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت طلب او از مواهب پایان‌ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید:

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا      در آن [بهشت ابدی] جاویدان‌اند و خواستار

هیچ گونه دگرگونی نیستند.<sup>۲</sup>

۱- سورة واقعه، ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ سورة الرحمن، ۷۰ تا ۷۷

۲- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ معادشناسی از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد» استاد قزاقی مراجعه کنید.

۳- سورة کهف، ۱۰۸

## ۲- جایگاه دوزخیان

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه‌گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند<sup>۱</sup> و درحالی که در غل و زنجیر بسته شده‌اند، در جایگاهی تنگ افکنده می‌شوند.<sup>۲</sup>

آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان‌هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می‌کشد.<sup>۳</sup>

در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می‌شود و می‌گویند: ما در دنیا نماز نمی‌خواندیم و از محرومان دستگیری نمی‌کردیم؛ همراه بدکاران در معصیت خدا فرو رفتیم و روز رستاخیز را تکذیب کردیم.<sup>۴</sup> ای کاش خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر او را اطاعت می‌کردیم.<sup>۵</sup> ای کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت.<sup>۶</sup> دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی‌هایی که در دنیا کردیم!<sup>۷</sup>

آنان به خداوند می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می‌دهیم.<sup>۸</sup>

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هرکس می‌خواست به راه راست آید؟<sup>۹</sup> ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.<sup>۱۰</sup>

آنان گاهی دیگران را مقصر می‌شمارند و می‌گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند.<sup>۱۱</sup> شیطان می‌گوید خدا به شما وعده راست داد و من به شما وعده دروغ دادم؛ اما من بر شما تسلطی نداشتم. من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را ملامت کنید.<sup>۱۲</sup> به نگهبانان جهنم رو می‌آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان می‌گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می‌گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی‌پذیرند و درخواستشان را بی‌جا می‌دانند.<sup>۱۳</sup>

۳- سورة همزه، ۴ تا ۷

۲- سورة فرقان، ۱۳

۱- سورة زمر، ۷۱

۶- سورة فرقان، ۲۸ و ۲۹

۵- سورة احزاب، ۶۶

۴- سورة مدثر، ۴۶ و ۴۳

۹- سورة فاطر، ۳۷

۸- سورة مؤمنون، ۶ و ۱۰ و ۱۵

۷- سورة انعام، ۳۱

۱۲- سورة ابراهيم، ۲۲

۱۱- سورة احزاب، ۶۷

۱۰- سورة انعام، ۲۸

۱۳- سورة غافر، ۴۹ و ۵۰

با تفکر دربارهٔ خود، ببینید چه زمینه‌هایی ممکن است شما را به سوی گناه بکشاند. آنها را بیابید و برنامه‌ای برای از بین بردن آن زمینه‌ها تنظیم کنید. آن دسته از زمینه‌ها را که قابل طرح در کلاس هستید، با دیگران در میان بگذارید و دربارهٔ آنها گفت‌وگو کنید.

## رابطهٔ میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطهٔ اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟ رابطهٔ میان عمل و جزای آن، سه‌گونه است :

۱- **قراردادی**: گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمهٔ نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. رابطهٔ میان آن کارها و این‌گونه پاداش‌ها و کیفرها، یک رابطهٔ قراردادی است و انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمهٔ نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- **نتیجه طبیعی خود عمل**: گاهی پاداش و کیفر محصول طبیعی خود عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد و بهداشت را رعایت نکند، به امراض گوناگونی مبتلا می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می‌یابد یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است.

۳- **تجسم خود عمل**: نوع دیگری از رابطهٔ میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از دو نوع قبلی است. همان‌طور که در بحث از نامهٔ عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت

می‌برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان باطن اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که مال یتیمی را به ناحق می‌خورد، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا برملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا این آتش آشکار نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود، حقیقت و باطن عمل عیان می‌گردد و آتش از درون او زبانه می‌کشد.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ

کسانی که می‌خورند

أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا

اموال یتیمان را از روی ظلم

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند

و سَيَصْلُونَ سَعِيرًا

و به زودی در آتشی فروزان درآیند.

نساء، ۱۰

رسول خدا ﷺ در ضمن نصایحی که به یکی از یاران خود می‌کرد، فرمود:

«برای تو ناچار هم‌نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد و با تو دفن می‌شود ...

آنگاه آن هم‌نشین در رستخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌شود. آن هم‌نشین، کردار توست»<sup>۱</sup>.

بنابراین در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود؛ بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.

## چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می‌کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می‌نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می‌گذاشت.

تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنان‌که همه جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می‌کرد و همواره وی را به دیگران نشان می‌داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و به سراغ رفاقت با دیگران برود.

رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی روبه‌رو می‌شد به سراغ او می‌رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می‌داد و موجب دلگرمی او می‌شد.

رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می‌کرد و پاسخ محبت‌های بی‌دریغ او را می‌داد.

روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنی است. زندگی مرفه و اشرافی خود را از جلوی چشمانش گذراند و با خود گفت: اگر چه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بمیرم تنهای تنها خواهم شد.

از این‌رو، رفقایش را به نزد خود فراخواند. ابتدا روبه رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای تو بهترین‌ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می‌آیی و مرا در این سفر همراهی می‌کنی؟  
رفیق چهارم گفت: به هیچ وجه، و راه خود را گرفت و رفت.

با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلافاصله گفت: نه، نمی‌توانم. تصمیم دارم پس از مرگت با کس دیگری طرح رفاقت بریزم.

تاجر روبه رفیق دومش کرد و مصرانه گفت: من هرگاه کمک خواسته‌ام، تو یاورم بوده‌ای. آیا این بار هم مرا یاری می‌کنی؟

رفیق دوم با ناراحتی گفت: این بار نمی‌توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می‌دهم و طلب آمرزش می‌کنم.

حرف‌های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.  
ناگاه ندایی شنید: من با تو می‌آیم، من تو را همراهی می‌کنم، هر جا که بروی با توام.  
تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه‌ای نشسته بود. تاجر  
با شرمساری دست نحیف او را گرفت و گفت: حالا می‌فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را  
می‌دانستم و همه دارایی‌ام را به پای تو می‌گذاشتم.

\*\*\*

این داستان واقعی زندگی همه ما انسان‌هاست:  
رفیق چهارم ما، جسم ما است که همه چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می‌کنیم؛ اما پس  
از مرگ، خیلی زود ما را ترک می‌کند.  
رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می‌میریم، بلافاصله به دیگران می‌رسد.  
رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان  
حیات، پس از مرگ فقط تا قبر ما می‌توانند بیایند.  
و رفیق اول ما، که ما آن را فراموش کرده‌ایم و در پی کسب ثروت و رفاه و لذایذ جسمانی،  
هیچ‌گاه به فکرش نبوده‌ایم و فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می‌کند. او کسی نیست  
جز...

### فقط یک بار

فقط یک بار به دنیا می‌آیی،  
فقط یک بار خداوند زندگی را به تو هدیه می‌کند؛  
اما، در سرائی دیگر همواره خواهی بود؛  
اگر این فرصتِ یک‌باره را از دست دهی،  
چه خواهی کرد؟

## اندیشه و تحقیق

۱- آیا در مجازات آخرت که مجازات از نوع سوم است، ظلم، امکان‌پذیر و قابل تصور است؟ چرا؟

۲- چه تفاوت‌هایی میان ویژگی‌های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت‌ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱	.....	.....	.....
۲	.....	.....	.....
۳	.....	.....	.....
۴	.....	.....	.....
۵	.....	.....	.....

۳- رسول خدا ﷺ فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».

یک کشاورز ماهر برای اینکه زراعت پرمحصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می‌کند:

۱- زمین مناسب انتخاب می‌کند.

۲- بذر سالم تهیه می‌کند.

۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می‌کند.

۴- زمین را از علف‌های هرز، پاک می‌کند.

۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.

اگر «دل» بهترین و مناسب‌ترین زمین برای کشت محصول آخرت است، چهار شرط دیگر

کدام‌اند؟

۱-.....

۲-.....

۳-.....

۴-.....

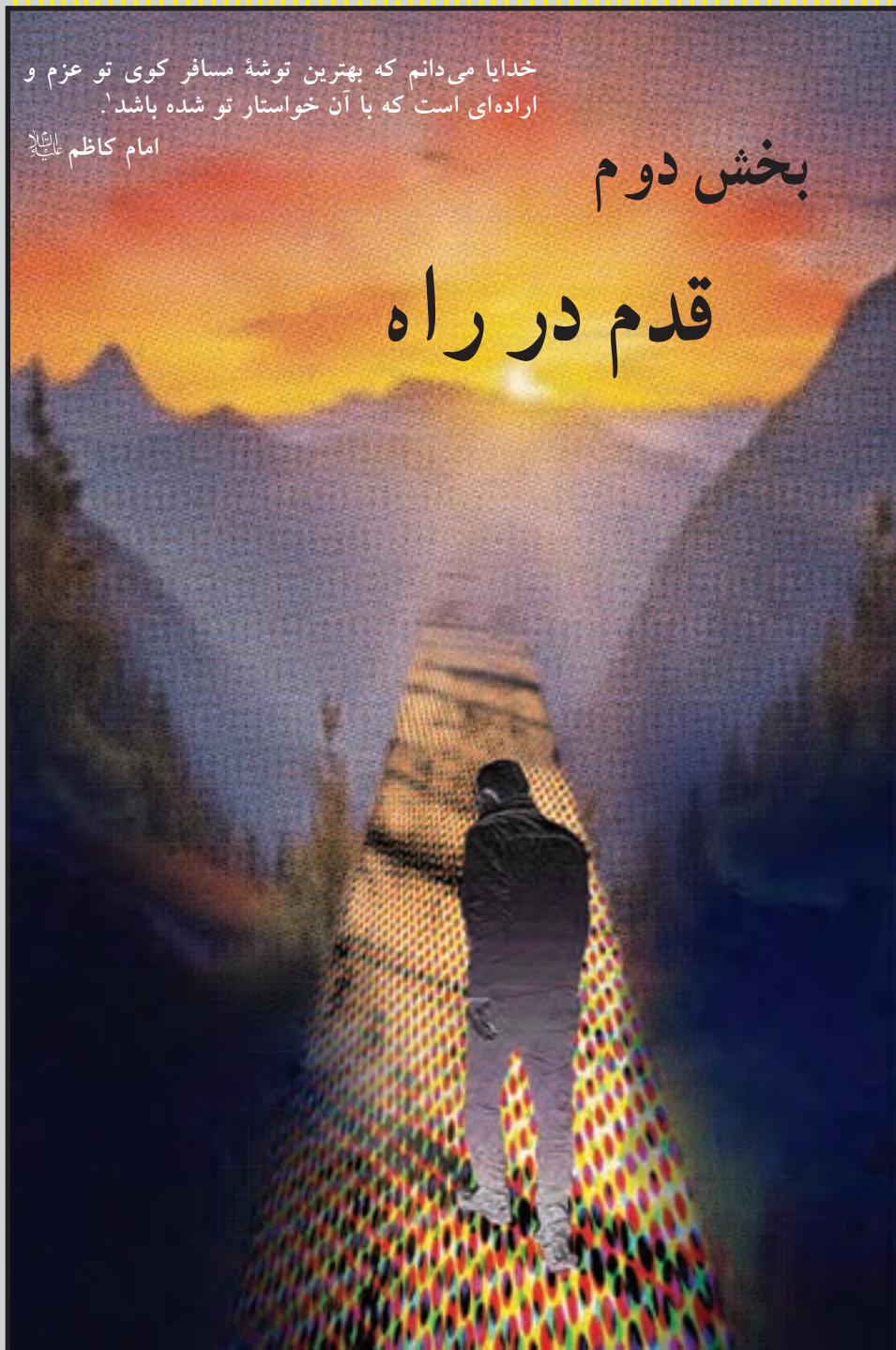


خدایا می‌دانم که بهترین توشهٔ مسافر کوی تو عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد.

امام کاظم علیه السلام

بخش دوم

# قدم در راه



﴿١٣٢﴾ وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا  
 السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ  
 فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ  
 النَّاسِ ۗ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾ وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا  
 فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا  
 لِذُنُوبِهِمْ ۚ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى  
 مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٣٥﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُهم مَغْفِرَةٌ مِنْ  
 رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا  
 وَ نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٦﴾ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ  
 فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ  
 ﴿١٣٧﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾  
 وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا ۚ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾  
 إِنْ يَمَسَّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ ۚ وَ تِلْكَ  
 الْآيَاتُ نُذَوِلُّهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا  
 وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ  
حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا  
مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ  
قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ  
إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ  
انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ  
اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ  
أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدِ ثَوَابَ  
الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدِ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا  
وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَتَلَ مَعَهُ  
رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا  
وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ  
إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبَّتْ  
أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ  
الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

# آهنک سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است برای این سفر عظیم آماده شویم و قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سربلند و پیروز به دیدار پروردگار برسیم، نه حسرت‌زده و پشیمان. هدف از خلقت انسان عبادت و بندگی خدا و رسیدن به مقام قرب اوست. در حقیقت، او محبوب، مقصود و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این هدف را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری و خوشبختی ابدی را به دست خواهد آورد.

البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه‌ریزی کنیم و قدم در راهی بگذاریم که پایان و سرانجامی این‌گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.

پس لازم است بدانیم :

برای آنکه در برنامه‌ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟

برای گام گذاشتن در مسیر بندگی و اطاعت خدا و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم :

**۱- تصمیم و عزم برای حرکت :** عزم به معنای اراده و قصد است. آدمی با اراده و عزم، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و ارادهٔ انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم و ارادهٔ ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. داستان زندگی پیامبران و بزرگان دین، گواه این مدعاست.



## \* مقایسه

انسان‌هایی را که دارای عزم قوی هستند، با انسان‌هایی که عزم و ارادهٔ ضعیف دارند، مقایسه کنید و فرق آنها را با یکدیگر بنویسید.

دارای عزم ضعیف	دارای عزم قوی
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.
۴.	۴.

**۲- عهد بستن با خدا :** کسی که راه سعادت را که همان بندگی خداست، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه را خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد.

چقدر زیباست که خداوند، راه سعادت ما را قرین رضایت خود ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم.



دربارهٔ عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم :

اول : برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم : عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب‌های قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

۳- **مراقبت :** باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید : **گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود.**<sup>۱</sup>

به‌طور مثال، کسی عهد می‌بندد که هر روز نیم‌ساعت قبل از طلوع آفتاب از خواب برخیزد و پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند. او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می‌شود، از سر راه بردارد.

#### \* بررسی

چه عواملی می‌تواند مانع اجرای تصمیم شود؟ برخی از آنها را نام ببرید :

- ۱-
- ۲-
- ۳-

۴- **محاسبه و ارزیابی :** بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به‌دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا می‌دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان‌هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده‌ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۶۲۶

از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند».<sup>۱</sup>

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم براساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی (ع) پرسیدند:

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فروخته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟<sup>۲</sup>

### نامه‌ای برای نجات

در زمان حیات مرحوم علامه طباطبائی (ره)، نویسنده تفسیر المیزان، جوانی درباره مشکلات خود نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و می‌گوید:

... جوانی هستم ۲۲ ساله؛ در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمل بر من تسلط فراوان دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب بازماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. درخواستی که از شما دارم این است که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم... نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای پیروزی، لازم دارم.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۹

۲- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۶۹

## علامه طباطبائی، به این جوان این گونه پاسخ می‌گویند :

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه بپردازید. به این نحو که هر روز، طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که هر عملی پیش آید، رضای خدا را مراعات خواهیم کرد... و همین حال را تا شب، وقت خواب ادامه دهید. وقت خواب، چهار - پنج دقیقه‌ای به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده؛ یکی یکی از نظر بگذرانید، هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر کنید و هر کدام تخلف شده، استغفار کنید و این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش اگرچه در بادی حال [ابتدای کار]، سخت و در ذائقه نفس تلخ می‌باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است...<sup>۱</sup>

اگر در مسیر زندگی، سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی دارند، مانند دبیران دینی و قرآن، امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آنها در میان بگذاریم.

برخی از این مراکز علمی عبارت‌اند از :

۱- معاونت آموزش و تبلیغ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

[www.Porseman.org](http://www.Porseman.org)

[www.Tebyan.net](http://www.Tebyan.net)

۲- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان

[www.hawzeh.net](http://www.hawzeh.net)

۳- پایگاه اینترنتی حوزه

[www.eporsesh.com](http://www.eporsesh.com)

۴- پایگاه جامع پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی

[www.Porsemanequran.com](http://www.Porsemanequran.com)

۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن

۶- واحد پاسخ‌گویی به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

[www.Pasokhgoo.ir](http://www.Pasokhgoo.ir)

۷- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم

[www.andisheqom.com](http://www.andisheqom.com)

[www.behdokht.ir](http://www.behdokht.ir)

۸- پاسخ به سؤالات شرعی بانوان

[www.Islamquest.net](http://www.Islamquest.net)

۹-

[www.erfan.ir](http://www.erfan.ir)

۱۰-

[www.Javab.ir](http://www.Javab.ir)

۱۱-



## پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است».<sup>۱</sup>

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند.

اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده‌اند و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. به طور مثال، امام حسین (علیه السلام) از پدر گرامی خود نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ در منزل، اوقات خود را سه قسمت می‌کرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.<sup>۲</sup>

برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می‌آید.

همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

۱- سورة احزاب، ۲۱

۲- نگاهی دوباره به سیمای پیامبر، ص ۳۴

## اینگونه یاری ام کنید

قسمتی از نامه امیرالمؤمنین به عثمان بن حنیف، فرماندار امام در بصره :

آگاه باش برای هر پیروی کننده ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.<sup>۱</sup>

## دفتر برنامه ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه های زندگی خود را به طور منظم در آن یادداشت نمایید. این دفتر می تواند شامل دو قسمت باشد :

۱- عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می شود. ۲- برنامه ها و عهدهای روزانه یا هفتگی.

بهرتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش های معین باشد که بتوانید به راحتی آنها را پیگیری کنید و در آن اصلاحات لازم را به عمل آورید. به طور مثال، برای برنامه های روزانه یا هفتگی می توانید مانند جدول عمل کنید.

مورد عهد :		تاریخ :		
مراقبت : نکاتی که در طول عمل به این عهد، باید رعایت کنیم :				
۱-.....				
۲-.....				
محاسبه :				
زمان	میزان موفقیت	عوامل موفقیت	عوامل شکست	راه‌های کسب موفقیت بیشتر

۱- چرا در میان موجودات، فقط انسان ممکن است زمان هرز رفته و تلف شده داشته باشد؟

۲- مقصود از اینکه رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟